



جمهوری اسلامی ایران

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

حیات و سیره امامان

عَجَبَكَ الْعَالِي  
فَرَجَمَكَ السَّيْرَتِ

امام



معاونت امور فرهنگی  
ملفوظات آموزش

موسسه  
فرہنگی  
سنسری  
مطہر



حوزہ عالیہ دینی قریبہ دارالعلوم حج ذریعہ پارت

ISBN: 978-964-540-451-0



9 789845 404510

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیات و سیرۂ امامان علیہم السلام

امام عصر عجل اللہ تعالیٰ فرجه التریف

تہیہ و تنظیم:

معاونت فرہنگر

مدیریت آموزش



جمهوری اسلامی ایران

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

حیات و سیره امامان علیهم السلام

«امام عصر علیه السلام»



- تهیه و تنظیم: معاونت فرهنگی، مدیریت آموزش
- ناشر: مؤسسه فرهنگی - هنری مشعر
- ویراستار: عبدالمجید سلیمانی
- نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۲
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۴۰۰۰ ریال



کتابخانه محفوظ (مست)

نشانی: تهران: خیابان آزادی، نبش رودکی، سازمان حج و زیارت،

طبقه دوم، معاونت فرهنگی - مدیریت آموزش

قم: خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، کوچه ۱۵، پلاک ۶

تلفن: ۶۴۵۱۲۲۵۵ - ۰۲۱ و ۳۷۷۳۴۹۱۹ - ۰۲۵

سامانه آموزش مجازی Amoozesh.Hajj.ir

## پیش‌گفتار

در طول حیات پر فراز و نشیب بشری، همواره انسان‌هایی درخشیده‌اند که با پرتوافکنی تابناک خویش، سایر انسان‌ها را از ظلمت، جهل، تعصب و تباهی‌ها رهانیده‌اند. موج اندیشه‌های روشن چنین انسان‌هایی، گاه محدود و محصور عصر و زمانی گشته و آنگاه رو به افول نهاده، گاهی نیز قلمرو زمان و مکان را درنوردیده و جاودانه و پویا مشعل‌دار مسیر همه انسان‌ها گردیده است. بی‌تردید، در فهرست این هادیان و مشعل‌داران فرایند طریق هدایت و روشنایی، نام امامان حق و عدالت و اوصیای پیامبر عظیم‌الشان اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر قلله‌های رفیع این کوه عظمت و بزرگی، می‌درخشد و همه ستایشگران و اهل

قلم و بیان، در وصف جمال و کمال این اولیای راستین آل الله عاجزند.

یک دهان خواهم به پهنای فلک

تا بگویم وصف آن رشک ملک

این قافله سالاران علم، پاکی، نور و هدایت متعلق به عالم بشریت می باشند و مقتدا و راهبر همه آزاداندیشان و پاک طینتان و حق جویان اند. ایشان پیشوایان فرزانه اند که ناب ترین احساسات بشری را برانگیخته و جاودانه ترین حماسه عدالت خواهی و انسانی را در مبارزه با سپاه ظلم و جهل خلق کرده اند و همه دوستان و دشمنان را به اعجاب واداشته اند؛ چنانچه فیلسوف و حکیم بزرگ، ابوعلی سینا، مثل امام علی علیه السلام سر سلسله جنبان این خاندان پاک و نورانی را در میان اصحاب پیامبر اعظم علیه السلام مثل معقول در میان محسوس می داند.

پاک مردان بزرگی که محبت و صمیمیت را با صلابت، عبادت و جهاد و فرمانروایی را با سادگی، قدرت و شوکت را با عدالت، جهاد را با محبت و عشق به خداوند، و علم را با حلم و تدبیر درآمیخته اند.

اخبار و رخدادهایی همچون «حدیث منزلت» و «غدیر» و آیه «تطهیر» و «ولایت»، شاه بیت چکامه فضل و عظمت بزرگی و پاکی این خاندان نور و اهل بیت رسول اعظم و از دیگر سو مبین مظلومیت آل رسول نیز می‌باشد. اما با این همه، به حکم و مشیت خداوند سبحان، امامان شیعه از اهل بیت پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله رسالت تاریخی، انسانی و الهی خویش را با ترسیم و تبیین خط اسلام ناب محمدی در بیان حقایق، معارف و علوم اسلامی از منبع خالص و حیانی به مدد قوه عصمت و علم که از الطاف خداوندی به این طایفه نورانی است، اهتمام بلیغ ورزیدند تا به یمن آن تلاش و جهاد عالمانه و خالصانه اسلاب ناب محمدی به عنوان تراث جاوید آسمانی ماندگار شد و کژراه‌ها و بیراهه‌ها از صراط مستقیم الهی جدا گشته و به مدد انفاس قدسی آنان، هزاران فرزانه و عارف متاله و عالم ربانی، تربیت شده‌اند که هر یک سنگربان هویت و کیان دین محمدی صلی الله علیه و آله و آیین اهل بیت علیهم السلام شده‌اند. امروز جهان اسلام و تمامی انسان‌ها بیش از هر زمان دیگر، نیازمند معارف زلال و ناب اسلام و فرهنگ اسلامی است که بی‌تردید آن را باید در خوان بیکران آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام و سیره نورانی ایشان جستجو و صید کرد. این امر، در گام نخست،



مستلزم شناخت و معرفت به وجود پاک و حیات طیبه و بی‌آلایش این خاندان نورانی، یعنی امامان علیهم السلام می‌باشد تا از رهگذر آن، به درستی به عظمت تراث ماندگارشان پی برده و سیره، مشی و کلامشان، اسوه و مشعل فروزنده راه ما باشد. این شناخت برای همه محبان و رهپویان این مسیر نورانی لازم و برای کسانی که به عنوان مسافران و میهمانان کوی دوست و زائران عتبات مقدسه و حرم‌های این اولیای الهی توفیق می‌یابند، ضرورتی مضاعف دارد؛ چرا که زیارت، همراه با معرفت و شناخت ساحت و حیات طیبه آن حضرات، تعالی‌بخش و تأمین‌کننده مقصد و سعادت خواهد بود.

از این رو، معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی‌فقیه در امور حج و زیارت، به جهت مسؤولیت دینی خویش و به منظور آشنا ساختن زائران کوی دوست و مشتاقان زیارت آستان‌های بلند اولیای الهی و کارگزاران مجموعه عظیم حج و زیارت، لازم دید، به قدر بضاعت و توان خود و به کمک اندیشمندان و اهل قلم و دانش، در معرفی اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله تلاش نماید و این مجموعه را که در چند مجلد گرد آمده تهیه و پیشکش همه ساکنان و زائران حریم قدسی آل طه نماید تا ان شاء الله به مدد انفاس رحمانی و قدسی ایشان،

همه ما از فیض حضور در این حرم‌های نورانی و کبریایی  
بهره‌مند گردیم.

از اهالی قلم، و دانش و بیان تقاضا داریم تا با ارائه  
دیدگاه‌ها و نقد و نظر، ما را در این مسیر و مقصد یاور باشند.  
در پایان، لازم می‌دانیم از همه پژوهشگران و کارشناسان و  
همکارانی که در تهیه، تدوین و چاپ و نشر این اثر در مدیریت  
آموزش و مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر ما را یاری  
رسانده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم.

**معاونت فرهنگی**  
**مدیریت آموزش**

## فهرست مطالب

۱۳	مقدمه.....
۱۵	ولادت و غیبت.....
۱۸	مهدویت در اندیشه اسلامی.....
۲۳	اهمیت انتظار.....
۲۴	فلسفه غیبت.....
۲۸	جامعه موعود شیعه.....
۲۹	۱-۳. آغاز و انجام جهان.....
۳۰	۲-۳. ظهور و قیام.....
۳۱	۳-۳. دعوت و مبارزه.....
۳۵	پیروزی حق و نابودی باطل.....
۳۶	سیطره بر جهان.....
۳۷	تشکیل دولت.....
۳۹	دولت کریمه.....

- ۴۰ ..... بهترین دولت‌ها
- ۴۰ ..... دولت احمدی
- ۴۰ ..... تمام کننده امامت
- ۴۰ ..... دولت جهانی
- ۴۱ ..... دولت عدل
- ۴۱ ..... سیره و روش امام مهدی (عج)
- ۴۲ ..... ارتباط بر پایه محبت و دوستی، رمز اقتدار دولت احمدی
- ۴۴ ..... دولت اخلاقی امام مهدی (عج)
- ۴۶ ..... تردید نسبت به امامت امام عصر عجل الله فرجه
- ۴۸ ..... نمایندگان خاص در دوران غیبت صغری
- ۵۰ ..... ۱. عثمان بن سعید عمری
- ۵۱ ..... ۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید
- ۵۱ ..... ۳. ابوالقاسم حسین بن روح
- ۵۳ ..... ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری
- ۵۵ ..... فعالیت‌های نواب خاص
- ۵۷ ..... وظیفه ما در رابطه با انتظار
- ۵۹ ..... کتابنامه

## مقدمه

درک درست از حضور امام معصوم در حیات بشری و عالم هستی منشأ برکات و شکل‌گیری جهان بینی ویژه‌ای است که زندگی در پرتو آن با معنا و معنویت همراه خواهد بود. رویکرد امیدوارانه و فرجام‌معدادار جهان هستی به زندگی نشاط و شادابی می‌بخشد و یأس و حرمان و تلخ‌کامی‌ها را می‌زداید. نگاه و جهان بینی که فرجام‌جهان را همراه با استقرار عدالت و دفع تباهی‌ها و منکرات ترسیم می‌کند، حرکت و تلاش و توجهات انسانی به سمت عدالت و خوبی‌ها خواهد بود و آن نقطه کانونی که انسان پاک و ذخیره خداوند برای نجات بشریت مبنای مبدأ قرب به حق و فضیلت‌ها خواهد بود بر همین مبناست که امام معصوم (ع) در حیات بشری و عالم هستی به عنوان قطب و انسان کامل نقطه

اتصال با خالق و واسطه فیض و رحمت الهی است و لذا برای هر صاحب خرد و اندیشه و انسان جویای حقیقت و کمال، قرب و رضایت آن گوهر الهی و وارث انبیا و اوصیا، نشانه و میزان کمال و هدایت خواهد بود. از این رو در فرهنگ شیعی، همواره درک این حضور معنادار و امید آفرین و واسطه خیر و رحمت خداوند، نقطه کانونی و حرکت آفرین و صیانت کننده جامعه از کژی‌ها بوده است و فرهنگ انتظار فرهنگ تحرک و امید و سازندگی و مقاومت در راه دین و دینداری و دفاع از حق بوده است. درک و فهم این فرهنگ مستلزم شناخت آن ذخیره و بقیة الله و شناخت سیره و سلوک و آرمان‌ها و فرهنگ مهدوی است فرهنگی که به ما معرفت لازم را برای انتخاب و پیمودن درست مسیر و همراه شدن با قافله حق و استواری در مسیر را می‌آموزد. این نوشته با چنین رویکرد و مقصدی برای حق پویان طریقت محمدی(ص) تدوین تا گامی هر چند کوچک در اعتلای این فرهنگ باشد. امید است با لطف و عنایت حضرتش مقبول حق تعالی واقع شود.

## ولادت و غیبت

حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵ هـ ق. از مادری به نام «نرجس» متولد شد.<sup>۱</sup> نام و کنیه آن حضرت با نام و کنیه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یکی است؛<sup>۲</sup> چنانکه روایات زیادی بر این امر دلالت دارند. در احادیث، از بردن نام آن حضرت نهی شده است؛ از این رو معمولاً با لقب از ایشان یاد می‌شود. «مهدی»، «حجت»، «قائم»، «صاحب الزمان»، «بقیة الله» و غیره از القاب آن حضرت است که در این میان، «مهدی» شهرت بیشتری دارد.

---

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۳۱.

۲. هاشم المعروف الحسنی، سیرة الائمة الاثنی عشر، ج ۲، ص ۵۲۵ به نقل از مسند احمد بن حنبل.

مادر امام علیه السلام از زنان فاضل، پارسا و اهل دانش و معرفت بود، تا بدانجا که «حکیمه» دختر امام جواد علیه السلام که از بزرگ‌ترین زنان دانشمند عصر خود و مورد احترام همه دانشمندان اسلامی و امام هادی و عسکری علیهما السلام بود، خود را خدمتگزار او می‌خواند.<sup>۱</sup>

تلاش بسیار عباسیان در سامرا و بغداد برای کنترل و مراقبت از امام عسکری علیه السلام به منظور دست‌یابی به فرزند و جانشین ایشان، امام علیه السلام را نسبت به جان فرزندش سخت بیمناک نمود، از این رو تولد و زندگی او را پنهان نگاه داشت.<sup>۲</sup> با این اوضاع حضرت ناگزیر از پنهان ماندن از انظار بود. و همین امر سبب شد که در غیبت بسر بردند. آن حضرت دو دوره غیبت داشته‌اند: یکی کوتاه مدت (غیبت صغری) و دیگری دراز مدت (غیبت کبری). غیبت کوتاه از هنگام تولد (۲۵۵ هـ.ق.) آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هـ.ق. ادامه یافت. البته تعداد بیشتری شروع غیبت صغری را سال ۲۶۰ هـ.ق. و پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ذکر می‌کنند.

۱. مجلسی، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ۵۱، ص ۲۸.

۲. همان.



حکومت برای یافتن حضرت، چندین بار منزل امام حسن عسکری علیه السلام را مورد بازرسی قرار داد و حتی روزهای آخر حیات امام علیه السلام، منزل او در محاصره بسیاری از نیروهای عباسی قرار گرفت و خود امام علیه السلام نیز تحت کنترل شدید حدود بیست تن از افراد معتمد عباسی قرار داشت تا حضور امام عصر علیه السلام را به حکومت گزارش کنند.<sup>۱</sup> با این همه، امام حسن عسکری علیه السلام در چند مرحله، امام پس از خود را به شیعیان و یاران خاص خود معرفی نمود. از این رو، برخی شیعیان از تولد آن حضرت مطلع بوده، با ایشان دیدار کرده بودند. شیخ مفید (ره) نام و مشخصات برخی از آنها را ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

مهم‌ترین دیدار یاران امام عسکری علیه السلام با حضرت مهدی علیه السلام زمانی بود که محمد بن عثمان عمری (رابط بین مردم و امام علیه السلام) همراه با چهل نفر دیگر در خدمت امام عسکری علیه السلام بودند که آن حضرت، فرزند خود را بدان‌ها معرفی فرمود:

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۰۵-۵۰۶.

۲. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۳۵۰-۳۵۱.

این امام شما پس از من و جانشین من در میان شماست، از او فرمان برید و پس از من در دین خود اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می‌شوید و پس از این، او را هرگز نخواهید دید.<sup>۱</sup>

نام برخی از علمای بزرگ شیعه و از اصحاب امام علیه السلام که در این جلسه حضور داشتند نیز در روایات آمده است.<sup>۲</sup>

### مهدویت در اندیشه اسلامی

اخبار پرشماری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام درباره تولد، غیبت، ظهور، قیام جهانی و سایر ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است. سال‌ها پیش از تولد آن حضرت، ویژگی‌های او بیان گردید؛ مانند اینکه وی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و از نسل و اولاد امام حسین علیه السلام است و نهضت جهانی او باعث بسط و اقامه عدل در سراسر جهان می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: طوسی، الغیبة، ص ۲۱۷؛ قندوزی، ینابیع المودة، ص ۴۶۰.

۲. ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ص ۲۵۵.

۳. جوینی خراسانی، فراید السمطین، بیروت، مؤسسه محمودی، ج ۲، ص ۲۲۷.

این فراوانی روایات از امامان شیعه علیهم السلام، خود گواه اهمیت فرهنگ و اندیشه مهدویت در اسلام است.

از احادیث امامان علیهم السلام درباره مهدویت آماری استخراج شده که بدین شرح است: امیر مؤمنان علیه السلام ۵۱ حدیث، امام حسن علیه السلام ۵ حدیث، امام حسین علیه السلام ۱۴ حدیث، امام سجاد علیه السلام ۱۱ حدیث، امام باقر علیه السلام ۶۳ حدیث، امام صادق علیه السلام ۱۲۴ حدیث، امام موسی کاظم علیه السلام ۶ حدیث، امام رضا علیه السلام ۲۹ حدیث، امام محمدتقی علیه السلام ۶ حدیث، امام هادی علیه السلام ۶ حدیث و امام حسن عسکری علیه السلام ۲۲ حدیث.

از امام علی علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

عمر جهان به پایان نمی‌رسد، مگر آنکه مردی از نسل حسین امور امت را به دست گیرد و دنیا را پر از عدل کند. هم چنان که پر از ظلم شده است.<sup>۱</sup>

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع مشهور اهل سنت نظیر مسند احمد و صحیح بخاری - که هر دو پیش از تولد امام عصر علیه السلام تألیف شده‌اند - نقل شده که همین حدیث نیز از جمله آنهاست.

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۱۶.

در مورد امام عصر (عج) و قیام و حکومتی که تشکیل می‌دهد، احادیث بسیاری در منابع اهل سنت وجود دارد.

همچنین سلیمان قندوزی و سبط بن جوزی (از علمای مذهب حنفیه)، شبراوی (از علمای مذهب شافعی) و محمد بن احمد مشهور به «ابن صباغ» (از علمای مذهب مالکی) از جمله کسانی هستند که ولادت حضرت مهدی (عج) را ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup>

از نکات قابل ذکر، اعتقاد برخی از مسلمانان، خصوصاً برخی از شیعیان به مهدی بودن اشخاصی در طول تاریخ است که نشانگر وجود اعتقاد به مهدویت در طول تاریخ اسلام است.

اعتقاد به مهدی بودن امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، محمد حنفیه، زید فرزند امام سجاد علیه السلام، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام بن علی علیه السلام، شهید فخر، اسماعیل و محمد فرزندان امام صادق علیه السلام، عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار، همچنین مهدی خوانده شدن سفاح عباسی، محمد بن منصور عباسی (مهدی عباسی)، سلیمان بن عبدالملک، ابومسلم خراسانی،<sup>۲</sup> مهدی سودانی و دیگرانی که نشانه‌های تطبیق مهدی بر آنها وجود دارد، از جمله

۱. احمد زمانی، اندیشه انتظار، ص ۲۷-۲۸.

۲. مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ص ۶۹-۷۰.

مویدات تاریخی وجود اندیشه مهدویت در اعصار مختلف اسلام است که فرصت هرگونه تردید در خصوص این عقیده را از همگان سلب می‌کند.

شیعه اساس اندیشه مهدویت را بر آموزه‌های قرآنی استوار می‌سازد. آیاتی از قرآن که استقرار حکومت صالحان و برقراری عدل در گستره جهان و اعطای برتری به مستضعفان را به مؤمنان بشارت می‌دهد، مبنای همان حدیثی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام روایت شده است؛ چنانکه یکی از دانشمندان می‌نویسد:

آنچه به امیدواری شیعه به پیروزی نهایی بر «ظلم و ظلمه» رنگ موجبیت تاریخی می‌دهد، انتظار فرج و رجعت امام غایب است. مفسران شیعه بعضی از آیات قرآنی را شاهد بر عقیده به رجعت (ظهور) می‌گیرند، و وعده حکومت مؤمنان و مستضعفان در زمین را از آنها استخراج می‌کنند.

آیات مورد استناد بدین قرار است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ

لَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده کرده که در زمین خلافت دهد؛ چنانکه پیشینیان‌شان نیز جانشین شدند و دینشان را که برای ایشان پسندیده، بر همه ادیان تمکین و تسلط بخشد و به همه مؤمنان پس از ترسشان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی عبادت کنند و چیزی را با من شریک قرار ندهند.»

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛<sup>۱</sup> و ما اراده کردیم بر آن کسان که در آن سرزمین زبون به شمار رفته بودند، منت گذارده، آنها را پیشوایان (امامان) خلق قرار داده و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.»

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛<sup>۲</sup> بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. سوره قصص، آیه ۵.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» زمین از آن خداست، به هر کس از بندگان خویش که بخواهد، وامی گذارد.»

پای بندی به اندیشه مهدویت بیانگر آرمان خواهی سیاسی است و به معنای تعهد عمیق و قلبی نسبت به اهداف والای اجتماعی و سیاسی و اعتماد نداشتن به معیارهای مادی و تمسک آگاهانه به مدینه فاضله و آرمانشهر اسلامی و پی گیری اهدافی است که باید در سرانجام تکامل جامعه انسانی بدان دست یابد.

### اهمیت انتظار

اعتقاد به ظهور مصلحی بزرگ از جانب خالق هستی، از باورهای اساسی و بالنده اسلام است. مصلحی که تلاشهای دیگر مصلحان و مشعلداران هدایت را به ثمر برساند و انسان را که گرفتار کج-زویی و دلخوشیهای زودگذر و فریبنده شده و در هاله‌ای از اضطراب و حیرت به سر می‌برد نجات بخشد. انتظار ظهور چنین نجات‌بخشی دلهای مرده را زنده می‌کند و مردم را از یأس - که بزرگ‌ترین مشکل روانی جامعه انسانی است - رها می‌سازد.

اندیشه انتظار و انتظار کشیدن به مفهوم سازنده و پویای آن از اهمیت والایی برخوردار است زیرا همین امر، پیروان امامان معصوم علیهم السلام را استوار نگه داشته است، به نحوی که هرگز خود را فراموش نکرده و در افکار دیگران هضم نشده‌اند.

از سوی دیگر، انتظار یک مطالبه و خواست عمومی در همهٔ ادیان به ویژه ادیان توحیدی است. پیامبران گذشته نیز در میان امت‌های خویش از اصلاح اساسی و اجرای عدالت سخن گفتند و به پیروان خود وعده دادند که مصلح بزرگ خواهد آمد و شما و مردم جهان را از شرک و ضلالت و ستم و مظلومیت نجات می‌بخشد.<sup>۱</sup>

### فلسفهٔ غیبت

این باور و این امر سترگ نیازمند تأمل و اندیشه‌ورزی بیشتر، از ابعاد و زوایای مختلف است، از راز و رمزها، آثار و حکمت و مبانی آن در ساحت‌های فردی و اجتماعی و تربیتی و ... که در این مجال به برخی از این زوایا می‌پردازیم:

۱. احمد زمانی، اندیشهٔ انتظار، ص ۵۹ - ۶۱.



آرمان‌های بشری همانند عدالت، هم‌ریستی مسالمت‌آمیز ابنای بشر، امنیت کامل و زندگی همراه با آرامش و به دور از تحیر و سرگشتگی‌ها، استقرار نظامی عادلانه و دور از تعدی و ظلم و تشکیل مدینه فاضله‌ای از فضایل والای انسانی و الهی یک واقعیت و حقیقت والا است. به بیان دیگر، این نیازها و رغبت فطرت‌های پاک انسان به آن، امری گزاف و بیهوده نیست، بلکه نیازی فطری و الهی در نهاد انسان‌هاست که حکایت از آرمان مشترک بشری دارد و خداوند آن را محقق خواهد ساخت؛ اما تحقق آن با فراهم‌شدن همه ظرفیت‌های عقلی، روحی، فکری و اجتماعی انسان و جامعه انسانی میسر است و خداوند متعال نیز برای پاسخگویی به این مطالبه فطری و آرمانی بشر، وعده منجی که خود انسان کامل و جامع فضایل است را داده است.

این انسان کامل هنگامی که شرایط و اقتضات اجتماعی و انسانی فراهم باشد، مبشر و راهبر استقرار آن جامعه آرمانی و تحقق بخش آرزوهای پاک و بی‌آلایش برخاسته از نیازهای فطری و الهی انسان خواهد بود.

سید مرتضی علم‌الهدی نظریه خود را در مورد علت و فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) چنین بیان کرده است: «وقتی از وجود

امام نفع برده می شود که امام از تمکن و اقتدار برخوردار باشد و دستورهای وی اعمال گردد تا بتواند سپاهیان را تجهیز کند و با اهل بغی بجنگد و اقامه حدود کند و مرزها را پاس بدارد و در حق ستمدیدگان انصاف پیشه کند و هیچ یک از این امور جز با تمکن ممکن نیست. بنابراین، وقتی بین او و هدفهایش چیزی حائل شد، ضرورت قیام از ایشان سلب می شود و هرگاه بر جان خود بیمناک شد، غیبت بر او واجب می گردد.<sup>۱</sup> همچنین در آخرین توفیق شریف از حضرت بقیه الله آمده است:

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدًا مِنْ آبَائِي أَلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ  
لَطَاغِيَةٌ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ  
مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي ...

همانا هیچ کدام از پدران من نبودند، مگر اینکه بیعتی از طاعت زمان برگردنش بود و من زمانی که ظهور می کنم هیچ بیعتی از طاعتها برگردن من نخواهد بود.<sup>۲</sup>

با انضمام این دو مقدمه و با نگاهی به تاریخ ائمه اطهار علیهم السلام می توان دریافت که قیام علیه ظلم باید نتیجه ای مثبت در پی داشته

۱. مجله حوزه، چشم به راه مهدی، ص ۳۱.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ج ۲، ص ۵۳۲.

باشد، و از آنجایی که امام زمان (عج) در صورت حضور یا مثل دیگر ائمه باید از روی جبر با حکام جور بیعت کند و یا همانند جدّ شهیدشان، امام حسین علیه السلام قیام منتهی به شهادت نماید، که در هر دو صورت، به هدف اصلی خود، که برپایی کامل عدل است، دست نمی‌یابد. پس بدین جهت، خداوند ایشان را از انظار مردم پنهان داشتند تا حضور و ظهور ایشان در بیعت با طاغوت‌ها محصور نشود و قیامشان صرفاً با شهادت پایان نیابد؛ بلکه به نتیجه قطعی برسد.

در اینجا یک نکته نیاز به توضیح دارد و آن اینکه غیبت امام عصر (عج) نافی رفتار دیگر ائمه علیهم السلام نیست، بلکه ائمه علیهم السلام هر کدام به فراخور موقعیت زمان خودشان در جهت برپایی عدالت و احکام اسلام تلاش کردند و عدم قیام ائمه علیهم السلام نه به معنای سازش‌پذیری با طاغوت، بلکه تحمل شرایط و حفظ اصل اسلام بود.

حتی امام حسین علیه السلام هم، در زمان خلافت معاویه، اقدام به قیام نکردند، بلکه در زمان یزید که اصل اسلام با خطر جدی مواجه شد و خطر از بین رفتن اصل اسلام و تعطیل کلی دین پیش آمد، قیام فرمودند که در آن موقعیت، کار درست، قیام و نتیجه آن حفظ اصل اسلام بود؛ یعنی همان نتیجه‌ای که دیگر ائمه علیهم السلام با عمل خود آن را به دست آوردند.

اما قیام و حضور امام زمان (عج) نباید منحصر به حفظ اصل اسلام شود، بلکه باید منجر به اقامه کامل دستورات شریعت و اجرای عدل شود؛ زیرا اوست که باید عدالت کامل و جامعیت شریعت را به منصه ظهور برساند و آن آرمان نهایی را تجسم و عینیت بخشد.  
امام عصر (عج) در انتهای توقیع شریف می فرماید:

فأغلقوا ابواب السؤال عما لا يعنیکم و لا تتكلفوا علی ما قد کفیتم و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فإن ذلک فرجکم ...<sup>۱</sup>

سؤال از علل غیبت سودی برای ما ندارد و پیگیری از علل آن (بیشتر از آنچه در همین توقیع آمده) زحمتی است برای به دست آوردن چیزی که انجام وظایف مان مبتنی بر دانستن آن نیست.

سپس می فرماید: «برای ظهور زیاد دعا کنید که گشایش کار شما در آن است.»

### جامعه موعود شیعه

بر اساس روایات شیعه، تصویری جامع و کامل از جامعه آرمانی مهدوی وجود دارد. این تصویر واقع بینانه و تحقق یافتنی،

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ج ۲، ص ۵۳۲.

سیر تاریخ بشر را نمایان می‌سازد و پرده از نقش مهم پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام، در این حرکت برمی‌دارد؛ زیرا هدایت، راهنمایی و حیات مادی و معنوی بشر با ایشان [پیامبران و امامان] شروع شده است و طی مرحله تکامل و متعالی زندگی نیز با آنان خواهد بود. دولت فراگیر آنان در نهایت در همین دنیا شکل خواهد گرفت و حرکت تاریخ نیز به سمتی می‌رود که با حضور مستقیم و بدون واسطه آنان در رأس اداره امور جهان (به دست پر کفایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم)، مردم از برکات و عنایات وجودی آنان برخوردار گشته و از نقص به کمال، از ظلم و ستم به عدل و داد، از فساد و بی‌دینی به یکتاپرستی و نیک اخلاقی و ... رهنمون خواهند شد. تصویر این بشارت و وعده حتمی الهی را می‌توان در مؤلفه‌های زیر به دست آورد:

### ۳-۱. آغاز و انجام جهان

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ای مردم! کجا می‌روید و به کجا برده می‌شوید؟! خداوند اول شما را به دست ما هدایت نمود و آخر امور شما را به دست ما به انجام می‌رساند. اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ما است. پس از دولت ما دیگر دولتی

نیست؛ زیرا ما اهل عاقبت هستیم...»<sup>۱</sup> بر اساس این روایت و احادیث دیگر، امامان معصوم علیهم السلام جایگاه مهم و محوری در آغاز و انجام جهان دارند و فرجام و افسین حیات نیز با نابودی دولت‌های گذرا و باطل و تشکیل دولت طولانی مدت صالحان خواهد بود. نجات و رستگاری انسان‌ها - پس از مدت‌های مدید - به وسیله ایشان و در حکومت عدل مهدی (عج) تحقق خواهد یافت. حضرت علی علیه السلام درباره پایان جهان می‌فرماید: «این امر به دست ما آغاز شد و به دست ما پایان می‌یابد. خداوند به وسیله ما انسان‌ها را در آغاز زمان‌هایی بخشید و به وسیله ما در پایان جهان، عدالت گسترده می‌شود»<sup>۲</sup>.

### ۲-۳. ظهور و قیام

مرحله سرنوشت ساز حیات بشری، با حضور و ظهور امام معصوم علیه السلام شروع می‌شود. در این مرحله امام مهدی (عج) از پرده غیبت بیرون می‌آید و ظهور می‌کند. از نظر شیعه، موعود نجات بخش، به دنیا آمده و الان زنده است و در جامعه حضور پنهانی

۱. ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، کافی، (تهران: دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۶۵)، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۶.

۲. سیلفان کامل، یوم الخلاص، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۷۶۶.

دارد. هر وقت خداوند متعال اراده کند، او ظهور کرده و قیام علیه جبهه کفر و باطل را رهبری خواهد کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرزند گرامی اش سالار شهیدان حسین علیه السلام می فرماید: «آن گاه امیر امیران... پادشاه منتظر - که در غیبتش همگان دچار حیرت می شوند - ظهور می کند. او نهمین فرزند تو است ای حسین! ... بر انس و جن چیره می گردد».<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در آخر الزمان ظهور (خروج) می کند و ابری در برابر خورشید به وجود مقدسش سایه می اندازد. از میان ابر، فرشته ای ندا در می دهد: این مهدی خلیفه خداوند است. از او پیروی کنید».<sup>۲</sup>

### ۳-۳. دعوت و مبارزه

امام مهدی علیه السلام پس از ظهور و قیام به هدایت و ارشاد مردم می پردازد و آنان را به معنویت و عدل و داد فرا می خواند. در برابر گفت و گوهای منطقی و ارشادات آن حضرت، گروه باطل و صاحبان

۱. لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، (قم: مؤسسه سیده معصومه،

۱۴۱۹)، ص ۵۷۸، ح ۲.

۲. ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، امالی، (قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴)، ص ۹۱؛ علی

بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ مقدس شافعی، عقد الدرر، ص ۱۳۵.

زر و زور و تزویر و فساد به مقابله با او برمی‌خیزند. در نتیجه آن حضرت بعد از اتمام حجت به مبارزه با آنان می‌پردازد و نهضت مستضعفان و ستمدیدگان را رهبری می‌کند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «تحقق آیه شریفه لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به دست مهدی است... ما بر شیوه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم تا خداوند به ما اجازه دهد که برای اظهار آیین او شمشیر بکشیم و مردم را به سوی او فرا بخوانیم. در پایان چنین خواهیم کرد، چنان که پیاسبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین کرد»<sup>۱</sup>

«شمشیر» نشانه قدرت و نماد قهر و غضب الهی بر دشمنان حق و پایان یک مهلت طولانی به آنان است. این پایان مدارا و مهلت به آنان و شروع جنگ سرنوشت ساز و پایانی میان حق و باطل است. در این جنگ اشقیاء و کافران و مفسدان در یک طرف (به فرماندهی شیطان) و صالحان و مؤمنان در سمت دیگر (به رهبری مهدی (عج)) قرار دارند. هم جبهه کفر و باطل به حد نهایی قدرت

۱. ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۱۸، ح ۱؛ محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۵۱۸.



و شوکت و جنایت خود رسیده‌اند و هم گروه حق و خداپرست، به حد بالای ایمان، دانایی و اعتقاد دست یافته‌اند. ظلم و ستم کافران و ظالمان بی حد و اندازه شده و مظلومیت و ستم‌دیدگی مستضعفان و محرومان از حد گذشته است. در نتیجه زمان ستیز و جنگ نهایی در آخرالزمان فرا رسیده و با ظهور و قیام مهدی موعود، آغاز می‌شود. کافران و دین ستیزان از ظهور آن حضرت اظهار کراهت و ناراحتی می‌کنند و به هدایت‌ها و راهنمایی‌های او توجهی نمی‌کنند. پس علیه او جنگ‌های شدیدی به راه می‌اندازند و در نهایت خود در این ستیزش نهایی مغلوب و نابود می‌گردند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«دنیا به آخر نمی‌رسد تا وقتی که نداکننده‌ای از آسمان بانگ می‌زند که ای اهل حق! یک جا جمع شوید. پس همه ایشان در یک سرزمین جمع می‌شوند. بعد از آن، دفعه دیگر ندا می‌کند: ای اهل باطل! یک جا جمع شوید، پس ایشان نیز در یک سرزمین جمع می‌شوند...»<sup>۱</sup>

۱. ابی عبد الله محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۲۰، ح ۹، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵، ح ۱۴۵.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «سپس آن قدر دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شده که در قلب خویش، احساس شفقت و ترحمی بکند»<sup>۱</sup>.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هشت ماه تمام شمشیر بر دوش نهاده، [دشمنان خدا را] می کشد...»<sup>۲</sup>.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «پدرم فدای فرزند نیکوترین کنیزان که [ظالمان و کافران] را خوار و ذلیل خواهد کرد و جام زهر آگین به کامشان خواهد ریخت و با شمشیر با آنان برخورد خواهد کرد»<sup>۳</sup>.  
از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَلْوَنِ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ...﴾<sup>۴</sup> سؤال شد، آن حضرت فرمود:

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۲۹؛ ابومنصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹؛ علی بن محمد خزّاز قمی، کفایة الاثر.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۷، ح ۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۱.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۲۹، ح ۱۱؛ ابراهیم بن محمد تقی، الغارات، ج ۱، ص ۹.

۴. سورة سجده، آیه ۲۱.

«عذاب نزدیک گرانی قیمت‌ها است و عذاب بزرگ‌تر، قیام مهدی (عج) با شمشیر است»<sup>۱</sup>

### پیروزی حق و نابودی باطل

حضرت مهدی (عج) و یارانش و سپاهیان مؤمن و شجاع او، در این جنگ‌های نهایی و سرنوشت ساز پیروز شده و با کمک گرفتن امدادهای غیبی، دشمنان (جبهه باطل) را نابود می‌کنند. بدین سان سرنوشت کافران و ستمگران، به بدترین صورت رقم می‌خورد. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «خداوند برای دوازدهمین [امام] از خاندان ما، هر دشواری را آسان می‌کند به دست او هر جبار سرسختی نابود می‌شود و هر شیطان سرکشی، هلاک می‌گردد»<sup>۲</sup>.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «او کسی است که وحدت کلمه ایجاد کرده و نعمت‌ها را کامل می‌سازد. باطل را نابود و از آن نهی می‌کند و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسد»<sup>۳</sup>.

۱. سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الایات الظاهرة، ص ۴۳۷؛

محمد باقر مجلسی بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹، ح ۵۵.

۲. محمد بن علی صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۹؛ محمد باقر مجلسی، ج

۵۱، ص ۱۵۰، ح ۲.

۳. احمد بن علی، طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۶۰؛ محمدباقر مجلسی،

بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که قائم قیام می کند، هر دولت باطلی از بین می رود».<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مراد از ﴿والیل اذا یغشی \* والنهار اذا تجلی﴾<sup>۲</sup> چیست؟ فرمود: «شب اشاره به آن است که جلوی حکومت حضرت علی علیه السلام گرفته شد و روز عبارت از قائم ما است که قیام می کند و حکومت او بر دولت باطل چیره می گردد».<sup>۳</sup>

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «خداوند به او پیروزی عنایت می کند و او با آنان می جنگد».<sup>۴</sup>

### سیطره بر جهان

پس از پیروزی سپاه حضرت مهدی (عج) و نابودی سپاه کفر و باطل، آن حضرت بر کل جهان سلطه و برتری خواهد یافت و از شرق تا غرب زمین بظه سیطره او درخواهد آمد. این تسلط و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، صفحه ۲۸۷، ح ۴۳۲.

۲. سوره لیل، آیه ۱ و ۲.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹، ح ۲۰.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۸.

برتری مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت واحد جهانی و استقرار عدل و داد در سراسر عالم است.

در روایتی متواتر و مشهور از پیامبر خدا نقل شده است: «سلطه و برتری او شرق و غرب (جهان) را در بر می‌گیرد»<sup>۱</sup> و «... خداوند متعال، شرق و غرب جهان را به دست قائم، فتح خواهد کرد»<sup>۲</sup>.

### تشکیل دولت

مهمترین و اساسی‌ترین اقدام امام مهدی (عج) پس از پیروزی و سیطره بر سراسر جهان، تشکیل دولت و به دست گرفتن حکومت و فرمانروایی دنیا است. گفتنی است مردم جهان در عین حال که شاهد نابسامانی، جنگ، فساد، بی‌عدالتی، ناامنی و الحادگرایی در جهان بوده‌اند؛ دولت‌ها، احزاب و سازمان‌های بسیاری را دیده‌اند که مدعی خدمت به جهانیان و ایجاد آرامش، صلح و امنیت و

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸، ح ۲۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱، ح ۱۲.

۲. صدوق، عیون الاخبار الرضا علیها السلام، ج ۱، ص ۶۵، ح ۳۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۰۷.

بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در دنیا بوده‌اند، اما در عمل چیزی جز تباهی و ستم و جنگ مشاهده نکرده‌اند.

اما سرانجام روزگاری فرا می‌رسد که معنویت و عدالت به دست توانای مرد الهی و در دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام پیاده می‌شود و رفاه، امنیت، عدل و یکتاپرستی در همه جای عالم گسترش می‌یابد، روشن است که این تنها با تشکیل دولت و انسجام در امور به دست می‌آید. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه **«الذین مکنانهم فی الارض...»**<sup>۱</sup> می‌فرماید: «این آیه در حق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت مهدی (عج) و یاران او است. که خداوند آنها را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می‌کند و بدعت‌ها و باطل‌ها را به دست او و یارانش نابود می‌سازد - چنانکه [قبلاً] سفیهان حق را لگدمال کرده باشند - تا اینکه از ستم نشانه‌ای نمی‌ماند».<sup>۲</sup>

۱. بخشی از آیه ۴۱، سوره حج.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷؛ سید شرف الدین حسینی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۲۳۹.

این دولت بهترین، کاملترین و مردمی‌ترین دولت‌ها - پس از نابودی و پایان دولت‌های دیگر - خواهد بود در این زمینه روایتی آمده است: «همانا دولت ما آخرین دولت‌ها است و برای هیچ خاندانی، دولتی نیست مگر اینکه قبل از ما حکومت کند تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم - با دیدن روش حکومتی ما - کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین رفتار می‌کردیم. و این گفتار خداوند است که: «عاقبت برای تقوایندگان است.»<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بعد از دولت قائم، برای هیچ کس دولتی مقدر نشده است.»<sup>۲</sup> همچنین آمده است: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می‌کند که مردی از اهل بیت من فرمانروای جهان می‌شود.»<sup>۳</sup>

### دولت کریمه

در دعای افتتاح می‌خوانیم: «خداوندا! ما دولت با کرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن اسلام و اهلش را عزیز کنیم و نفاق و اهلش را ذلیل گردانیم...»<sup>۴</sup>

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۳؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۶۴؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳.

۴. طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۱۱؛ ابن طاووس، الاقبال الاعمال، ص ۵۱.

## بهترین دولتها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «دولت حق (دولت مهدی) بهترین دولتها است». <sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «دولت او، آخرین و بهترین دولتها است». <sup>۲</sup>

## دولت احمدی

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «صاحب رایت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و بنیانگذار دولت احمدی ظهور می کند...». <sup>۳</sup>

## تمام کننده امامت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قسم به خدا او تمام کننده امامت هنگام قیام قائم علیه السلام است». <sup>۴</sup>

## دولت جهانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «مردی از اهل بیت من مالک و حاکم جهان می شود». <sup>۵</sup> و «زمین با نور پروردگارش منور می شود، سلطنت او، شرق و غرب جهان را در بر می گیرد». <sup>۶</sup>

- 
۱. محمد بن سلیمان کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۶۵۰.
  ۲. لطف الله صافی، منتخب الاثر، ص ۳۰۸.
  ۳. سلیمان قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۸۸.
  ۴. همان، ص ۵۱۵.
  ۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳، ح ۲۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۰.
  ۶. طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۹۱؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.



## دولت عدل

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مهدی از من است، زمین را از قسط و عدل پُر می‌کند».<sup>۱</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «چون قائم قیام کند، به عدالت حکومت می‌کند و در زمان او، ستم ریشه‌کن می‌شود».<sup>۲</sup>

## سیره و روش امام مهدی (عج)

از روایات و قرائن مختلف، ثابت می‌شود که روش و سیره حضرت مهدی (عج)، روش و سنت و سیره پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است.<sup>۳</sup> بر این اساس روایاتی که سیره آن حضرت را مخالف سیره پیامبر و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام قلمداد می‌کند، معارض با احادیث صحیح و معتبری است که بر مفهوم مقابل آنها دلالت دارد این احادیث به صراحت گویای این مطلب است که روش حکومتی حضرت ولی عصر (عج) همانند روش حکومتی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۱. یحیی بن حسن حلّی، العمده، ص ۴۳۳؛ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۶۰۸.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۴۶.

و امیر مؤمنان علیه السلام است. چنانچه امام باقر علیه السلام فرموده است: «... همانطور که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پس از بعثت تمامی آن چیزهای قبلی را بی اعتبار اعلام کرد، مهدی (عج) نیز چنین خواهد کرد. او اسلام واقعی را دوباره برپا خواهد نمود».<sup>۱</sup>

در روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «نهمین از اهل بیت و مهدی امت من، شبیه‌ترین فرد به من از لحاظ شمایل، گفتار و کردار است».<sup>۲</sup>

### ارتباط بر پایه محبت و دوستی؛ رمز اقتدار دولت احمدی

از روایتی چند برمی‌آید که آن حضرت محبوب و مورد علاقه همه مردم خواهد بود و ارتباط بسیار صمیمانه و دوستانه‌ای بین ایشان برقرار خواهد شد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خداوند محبت مهدی را در دل‌ها می‌اندازد. پیروان او شیران روز و راهبان شب‌اند».<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴، ح ۱۱۲.

۲. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۵۱۰.

۳. علاء‌الدین، متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۴۳، ح ۵.

آن حضرت فرمود: «ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود هستند»<sup>۱</sup> و نیز اهل زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند»<sup>۲</sup> و «ساکنان آسمان و زمین او را دوست دارند»<sup>۳</sup>.

البته دولت امام عصر (عج) دولتی ضعیف و ظلم‌پذیر نخواهد بود بلکه از اقتدار و نفوذی بی‌نظیر برخوردار است و این اقتدار و حاکمیت ناشی از شأن امامت و نصرت‌های الهی است. به همین جهت دستورها و خواسته‌های ایشان در تمامی عالم به خوبی انجام می‌شود چون حاکم بر قلوب مردم خواهد بود. از سوی دیگر با نابودی زمامداران کفر و الحاد و ظلم، زمینه‌های مخالفت و کارشکنی و نفاق در جامعه از بین می‌رود و مردم آزادانه و با اختیار و میل درونی و با آگاهی تمام به سوی حضرت کشیده می‌شوند. بنابراین اقتدار و نفوذ آن حضرت معنوی و الهی است و رابطه ایشان با مردم - رابطه امام و امت - مبتنی بر اخلاق و پیوندهای قلبی است از این رو دولت آن حضرت ماهیت و شیوه اقتدار گرایانه متداول دنیامداران را نخواهد داشت و به طور

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۷۸؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲. علی بن یونس نباطی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۲.

۳. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۲۹، به نقل از:

اسعاف الراغبین، ص ۳۴۰.

شایسته از قدرت در تمامی عرصه‌ها به صورت مشروع و شایسته استفاده خواهد شد.

چنانچه از آموزه‌های بنیادی دین اسلام استفاده می‌شود: «هدف استفاده از قدرت در اسلام به پا داشتن حق و دفع باطل جهت تأمین آسایش عمومی برای مردم و برقراری حق و عدالت و پرستش خداوند سبحان است.» همانگونه که امام علی بن ابی طالب علیه السلام درباره زمامداری و خلافت بر مردم فرمود: «این کفش پاره در نزد من دوست داشتنی تر از حکومت بر شماست مگر اینکه حقی را به پا دارم و یا باطلی را دفع کنم.»<sup>۱</sup>

چنانچه خود آن حضرت می‌فرماید: «من برای اهل زمین موجب امان و آسایشم.»<sup>۲</sup>

### دولت اخلاقی امام مهدی (عج)

با دقت و تأمل در روایات و شواهد مختلف به دست می‌آید که دولت امام عصر علیه السلام دولت اخلاقی است چنانچه قرآن کریم درباره رسالت و غایت بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. طبرسی، الاحتجاج، جلد ۳، ص ۴۷۰.

می فرماید: ﴿هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة...﴾.<sup>۱</sup> اوست که در میان قوم بی کتاب، پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و پاکیزه شان می دارد و به آنان کتاب و حکمت می آموزد...».

بر اساس این آیه، تکامل وجود انسان از جنبه های علمی و عملی از طریق تهذیب او، به عنوان هدف نهایی بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است.

در نظریه اخلاقی دولت، قدرت عمومی در شیوه تلقی و عمل شهروندان و نهادهای دولت نهفته است که معطوف به تأمین حداکثر سعادت و کمال و رشد اخلاقی و معنوی مردم است.<sup>۲</sup>

دولت اخلاقی بدین معنا است که هم خود جامع تمام فضایل، نیکی ها و محاسن و مکارم اخلاقی و عقلی است و هم در مقام اجرا، همه آنها را در جامعه محقق می سازد. هم مدافع و حامی

۱. سوره جمعه، آیه ۳.

۲. ر.ک. رحیم کارگر، آینده جهان، ۵ - ۲۳۴.

ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی است. و هم ابزار عرصه مناسب برای زندگی سالم و عالمانه آدمی را برای تحقق کمالات انسانی به کار می‌گیرد و جامعه را زنده و انسانیت انسان را احیاء می‌کند، چنانچه حضرت آیت الله جوادی آملی بیان می‌کند: «کار اصلی امام زمان (عج) این نیست که جهان را از عدل و داد پر می‌کند. کار او زنده کردن جامعه است. وجود امام زمان (عج) عامل حیات است. او جامعه مرده را زنده می‌کند؛ بعد به عدل و داد فرا می‌خواند. جامعه زنده منشأ عدل و داد است»<sup>۱</sup>.

### تردید نسبت به امامت امام عصر علیه السلام

پس از رحلت امام عسکری علیه السلام به دلیل مخفی نگاه داشتن تولد و زندگی حضرت حجت علیه السلام طبیعی بود که برخی از شیعیان دچار تردید و انحراف شوند. گرچه این گروه‌ها بسیار اندک بودند، سخت‌گیری حکومت نسبت به امام علیه السلام و وجود مدعیانی همانند جعفر کذاب، زمینه‌های انحراف را فراهم آورد. از این روی، برخی به مهدویت امام حسن عسکری علیه السلام معتقد شدند و پاره‌ای

۱. رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۲۳۶.

نیز به امامت جعفر روی آوردند، اما بیشتر شیعیان از طریق سازمان و کالت و اندیشمندان شیعی به امامت امام عصر علیه السلام ایمان داشتند و به نص و وصیت امام حسن عسکری علیه السلام پایبند بودند. البته این سرگردانی و اختلاف بین شیعه چندان دوام نیافت و دیگر گروه‌ها نیز به تدریج به دلیل نبود پایگاه قابل اعتماد، عدم پشتیبانی عالمان شیعه و نداشتن پشتوانه معنوی و دینی حذف شدند.

در همان ابتدای اختلاف، شیعیان راه‌هایی را برای خبرگیری و ایجاد ارتباط می‌شناختند؛ چنانکه در یکی از روایات اشاره دارد که جمعی از شیعیان قم، بی‌خبر از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام برای پرداخت وجوه مالی خویش به سامرا رفتند. پس از ورود به سامرا کسانی آنها را نزد جعفر بن هادی بردند. قمی‌ها نخست در صدد امتحان جعفر برآمدند، به همین رو از وی پرسیدند: آیا او از مقدار پولی که با خود آورده‌اند، اطلاع دارد؟ جعفر پس از اظهار بی‌اطلاعی گفت: تنها خدا از غیب آگاه است. در نتیجه قمی‌ها از پرداخت پول به او خودداری کردند. پس از آن، امام عصر علیه السلام با اعزام پیکی آنها را به منطقه‌ای در بیرون شهر هدایت

کرد و در آنجا با آنان دیدار نمود. آن گاه امام علیه السلام به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، پول و وجوه شرعی را به سفیر ایشان در بغداد، ابو عمرو عثمان بن سعید تحویل دهند و چیزی به سامرا نیاورند.

در دوران غیبت صغری، ارتباط امام علیه السلام با شیعیان از طریق نوآب خاص انجام می‌گرفت و در مواردی نیز برخی وکلا و نمایندگان حضرت در مناطق مختلف به خدمت ایشان می‌رسیدند. در گزارش‌های تاریخی و روایی موارد متعددی از این دیدارها ثبت شده است.

### نمایندگان خاص در دوران غیبت صغری

در این دوران، امام عصر علیه السلام از طریق چهار نفر - که نمایان خاص و از ابواب امام علیه السلام بودند - با شیعیان در ارتباط بودند و امور شیعیان توسط این نمایندگان حل و فصل می‌شد. این چهار نفر که مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام و شیعیان بودند، یکی پس از دیگری وظیفه نمایندگی را بر عهده گرفتند. نوآب با وکلای امام عصر علیه السلام از طریق شبکه گسترده نهاد وکالت در دورترین نقاط سرزمین اسلامی پیوسته در ارتباط بودند. آنان نامه‌ها، درخواست‌ها و



پرسش‌هایشان را به محضر امام علیه السلام می‌رساندند و از این سو توقیعات<sup>۱</sup> و پاسخ‌های حضرت را به شیعیان ابلاغ می‌نمودند.

نواب خاص امام علیه السلام همه امور را پنهانی و بدون جلب توجه حکومت انجام می‌دادند. افزون بر این، دوری شیعیان از قیام‌ها و حرکت‌های اعتراض‌آمیز سبب شد شیعیان با تهدیدهای کمتری از سوی حکومت مواجه گردند و بتوانند اوضاع خویش را به سامان برسانند و تثبیت کنند. این سیاست موجب شد شیعیان امامی در مرکز خلافت عباسی حضور قاطع خویش را حفظ کنند و به عنوان اقلیتی رسمی و شناخته شده، خود را بر حکومت عباسی و اطرافیان با نفوذ در بغداد، تحمیل کنند. در این زمان، مرکزیت شیعه با تشکیلاتی منسجم در بغداد مستقر بود و بر شیعیان در دیگر شهرها نظارت می‌کرد. نفوذ شیعه آن چنان افزایش یافت که در حکومت نیز راه یافتند و حتی در دستگاه خلافت متصدی مقام وزارت شدند.<sup>۲</sup> این در حالی است که شمار شیعیان نیز رو به فزونی نهاد. این توقیقات با هدایت امام علیه السلام و تلاش و هوشیاری

۱. توقیع به معنای نوشتن بر حاشیه‌های متن نوشته یا نامه‌ای است.

۲. ر.ک: عباس اقبال، خاندان نوبختی، ص ۹۶ - ۹۷.

نواب ایشان انجام گرفت. از این رو، ضروری می‌نماید که به اختصار با شخصیت نواب خاص امام عصر علیه السلام و بخشی از اقداماتشان آشنا شویم.

### ۱. عثمان بن سعید عمری

نخستین نایب خاص امام عصر علیه السلام عثمان بن سعید عمری است. وی روغن فروش (سمان) بود و در واقع به منظور پوشش برای فعالیت‌های مذهبی و سیاسی این شغل را برگزیده بود. اموال زیادی که به دست او می‌رسید، از طریق ظرف‌های روغن آن را به امام علیه السلام یا افراد دیگر می‌رساند. عثمان بن سعید رابط مردم با امام عسکری علیه السلام و پیش از آن معتمد امام هادی علیه السلام نیز بود.<sup>۱</sup> در مواردی نیز امام عسکری علیه السلام مأموریت‌هایی را در امور مالی و دینی بدو واگذار می‌کرد و همو بود که تغسیل و تکفین ایشان را بر عهده گرفت و جسد مطهرش را در قبر نهاد.<sup>۲</sup> مورخان وفات وی را بین سال‌های ۲۶۷ و ۲۸۰ ذکر کرده‌اند.

۱. ر.ک: علامه مجلسی، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر محمودی، ص ۲۱۵.

۲. همان.

## ۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید

دیگر نایب خاص امام مهدی علیه السلام محمد، پسر نایب اول بود که پس از درگذشت پدر، حضرت ضمن توقیعی به وی تسلیت گفت و پس از دعای خیر در حقش امور را به او واگذار کرد.<sup>۱</sup> او نیز همانند پدرش از نزدیکان و افراد مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود؛ چنانکه حضرت فرمود:

عمری و پسرش هر دو ثقه و مورد اعتمادند، هر چه رسانند از طرف من می‌رسانند و هر چه گویند، از من است. به سخن آنان گوش بده و از آنان پیروی کن که آنان ثقه و امین من هستند.<sup>۲</sup>

## ۳. ابوالقاسم حسین بن روح

حسین بن روح نوبختی از معتمدان ابوجعفر عمری و از نزدیکان وی در بغداد به شمار می‌رفت.<sup>۳</sup> ابوجعفر با ارجاع

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۲۳.

مراجعان به حسین بن روح زمینه جانشینی وی را فراهم آورد و در واپسین روزهای حیات، به دستور حضرت، او را در مقام جانشینی خود معرفی کرد. پس از آن شیعیان در امور دینی و برای تحویل اموال به وی رجوع می کردند. او «قمی» نیز خوانده می شد و از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نیز بود.<sup>۱</sup> حسین بن روح در دورانی که آل فرات متصدی مقام وزرات عباسی و از هواداران شیعیان بودند، در دستگاه خلافت نفوذ کرد، اما با روی کار آمدن حامد بن عباس که از مخالفان شیعه حمایت می کرد، مشکلاتی برای او به وجود آمد. وی اموال زیادی در اختیار داشت که متعلق به دستگاه امامت بود. از این رو، حکومت عباسی - که در آن روزگار یکی از منابع مهم درآمدی اش مصادره اموال سرمایه داران بود - بر آن شد تا این اموال را تصاحب کند که با مخالفت حسین بن روح مواجه شد، از این رو وی را پنج سال به زندان افکندند. او که تا سال ۳۲۶ هـ.ق. در بغداد می زیست، از موقعیت بسیار ممتازی

برخوردار بود. نفوذ آل نوبخت که شیعه بودند، سبب گردید که او در دستگاه از امنیت بیشتری برخوردار باشد.

#### ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمّری

آخرین نایب خاص امام علیه السلام که به دستور آن حضرت به جانشینی حسین بن روح منصوب شد و به مدت سه سال عهده دار مقام نیابت بود، ابوالحسن علی بن محمد سمّری است. وی اهل یکی از روستاهای اطراف بصره بود. خاندان او املاک زیادی در بصره داشتند که نیمی از آن را وقف امام حسن عسکری علیه السلام نموده بودند، از این روی سالانه با امام علیه السلام مکاتبه می کردند. وی در سال ۳۲۹ هـ. ق. در گذشت.

از وقایع مهم این دوره، توقیع حضرت بقیة الله علیه السلام به علی سمّری است که در آن از وفات قریب الوقوع او خبر می دهد و غیبت کبرای خویش را اعلام می دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند به برادرانت در فقدان تو پاداش عطا فرماید. تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی

کرد، کارهایت را جمع و جور کن و به هیچ کس به عنوان جانشین خود وصیت نکن. اکنون زمان غیبت کبری فرا رسیده و ظهور من تنها با اجازه خداوند خواهد بود و آن پس از مدتی طولانی و زمانی خواهد بود که دل‌های مردم در نهایت قساوت و روی زمین پر از بیداد و ستم باشد، کسانی نزد شیعیان ما مدّعی ارتباط و دیدار با من خواهند شد. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی - که از علایم ظهور است - چنین ادعایی کند، دروغگویی بیش نخواهد بود.<sup>۱</sup>

این توقیع اصول کلی دوره جدید را خاطر نشان ساخت و در کنار سایر توقیعات و احادیثی که پیش‌تر از امامان شیعه صادر شده بود، راهی نو را برای شیعیان ترسیم کرد. در دوران غیبت صغری حضور و نفوذ شیعیان برجسته در حکومت و در اختیار گرفتن منصب‌های مهم اداری رو به فزونی نهاد. نفوذ این جریان که از دوران امام کاظم علیه السلام آغاز شده بود،

به تدریج توسعه یافت و زمینه‌ساز امنیت و هدایت اجتماعی شیعیان توسط رهبران دینی شد.

### فعالیت‌های نواب خاص

فعالیت‌ها و اقدامات نواب در همه امور با اجازه و هدایت امام عصر علیه السلام بوده است. توقیعات امام علیه السلام اسنادی گویا در این زمینه‌اند. از این رو در دوران غیبت صغری نواب به امر امام علیه السلام به رهبری و ساماندهی و تحکیم پایه‌های دینی شیعیان می‌پرداختند؛ مانند مبارزه با مخالفان در عرصه فرهنگی و سیاسی، رفع ابهام و تردید از شیعیان درباره امامت امام زمان علیه السلام، توسعه فرهنگ مهدویت و نیز تبیین فلسفه انتظار و غیبت. سازماندهی و هدایت وکلا نیز از اقدامات بسیار اثربخش در هدایت و حفظ انسجام شیعه بود که به شایستگی انجامش دادند. نواب خاص در همه جهان اسلام و کیلانی تعیین کردند و ارتباط گسترده و سازمان‌یافته آنان با نواب فراهم شد. این وکلا در شهرهای اهواز، سامرا، مصر، حجاز، یمن، خراسان، ری، قم و... فعال بودند و با نواب اربعه ارتباطی مستمر داشتند.

شیعیان علی رغم وجود دشواری‌های فراوان با دستیابی به چنین موقعیت‌هایی به استحکام جایگاه خود پرداختند. در دورانی که قیام‌های زیدیه، اسماعیلیه و قرامطه اوج گرفتند و حکومت نیز تلاش داشت شیعیان امامی را در کنار دیگر فرق تندروی شیعه یکسان بگمارد و با آنان نیز برخورد قهرآمیز داشته باشد، این امر سبب شد که شیعیان امامیه با هدایت عالمان دینی و امنیت ایجاد شده توسط شخصیت‌های بانفوذ در حکومت، از این تعرضات و پیامدهای مسلحانه در امان بمانند. حضور مردانی از آل فرات و خاندان نوبختی - که دارای گرایش شیعی و از وفاداران به مذهب امامیه بودند - در حکومت سبب شد که حاشیه امنیتی مناسبی برای رهبران شیعی و شیعیان ایجاد شود.<sup>۱</sup>

همین فرصت‌ها بود که به تشیع در دوران غیبت صغری امکان توسعه و تحکیم داد و کاملاً به صورت اقلیتی پذیرفته شده و رسمی درآمد.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ۵۱، ص ۲۳.

۲. ر.ک: عباس اقبال، خاندان نوبختی، ص ۹۶-۹۹ و ۲۱۷-۲۲۰.



## وظیفه ما در رابطه با انتظار

با توجه به آنچه پیشتر گفته شد، وظیفه ما نسبت به انتظار، چیزی نیست جز حفظ آمادگی خود و آماده کردن جامعه و جهان برای ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) و این همان معنای انتظار است.

بهترین تفسیر برای چگونه منتظر بودن را باید در احادیث ائمه علیهم السلام جستجو کنیم، امام صادق علیه السلام می فرماید: **لِيُعِدَّنَ أَحَدَكُمْ لِيَخْرُجَ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا ...**؛ هر کسی در قبال ظهور حضرت مهدی (عج) باید هر آنچه را در توان دارد انجام دهد، ولو اینکه یک تیر تهیه کند. یعنی انتظار، باید جنبه عملی به خود بگیرد و در زندگی عادی منتظران حضور و بروز داشته باشد.

انتظار مثبت، انتظاری است که جامعه و فرد را به تحرک و سازندگی و تعهدآفرینی وادار کند و امروزش را نسبت به گذشته - اش بهتر نماید. در مکتب اسلام، کسی که دو روزش مساوی باشد مغبون شمرده می شود و آن کسی که روز بعدش نسبت به روز پیشینش بدتر باشد، ملعون و مطرود است.

با چنین فرهنگی، فرد و جامعه‌ای که بخواهد برای گسترش عدل به پا خیزد و آن را جایگزین محرومیت‌ها و تجاوزها و ستم‌ها نماید، باید تلاشی خستگی‌ناپذیر و حرکتی مداوم را دنبال کند و در برابر همه ناپاکی‌ها و کج‌روی‌ها بایستد و زشتی‌ها و منکرات را دفع کند، این انتظار، زمینه اجرای عدالت قائم آل محمد (عج) را فراهم می‌سازد.

امام هشتم، علی بن موسی الرضا علیه السلام تحقق انتظار فرج را چنین تبیین فرمود: «انتظار الفرج بالصبر و حسن الصحبة و حسن الجوار و بذل المعروف و كف الاذى و بسط الوجه و النصيحة و الرحمة للمؤمنين؛ انتظار فرج ملازم است با پایداری، مصاحبت زیبا و خوشرفتاری و اعطای خوبی‌ها و ممانعت از اذیت و آزار دیگران و خوشرویی و پنددادن و نصیحت و مهربانی نسبت به انسان‌های مؤمن می‌باشد.»<sup>۱</sup>

۱. احمد زمانی، اندیشه انتظار، ص ۶۴-۶۵.

## کتابنامه

\* قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.

۱. جمعی از نویسندگان، «چشم به راه مهدی»، مجله حوزه، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

۲. زمانی، احمد، اندیشه انتظار، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.

۳. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا.

۴. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، صدر، تهران، بی تا.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ق.

٧. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، تحقیق و نشر بنیاد معارف اسلامی،  
مکتبه نینوی، تهران، بی تا.
٨. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سیدجواد  
مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، تهران، بی تا.
٩. مجلسی، محمدتقی، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق الشیخ محمد باقر  
المحمودی، بی جا، ١٤١٣ق. -